

پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی

سال اول، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۱

دریافت: ۹۰/۱۰/۲۰ پذیرش: ۹۱/۵/۳۱

صص ۲۰-۱

بررسی رابطه مشارکت سیاسی و احساس امنیت اجتماعی در بین شهروندان اصفهانی

حسین هرسیج، دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه اصفهان*

رضا محموداوغلی، دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه اصفهان

چکیده

هدف این تحقیق، بررسی رابطه مشارکت سیاسی شهروندان اصفهانی با احساس امنیت اجتماعی آنان است. مشارکت سیاسی فعالیت‌هایی است که شهروندان به طور مستقیم یا غیرمستقیم برای تأثیرگذاری بر گزینش اعضای دولت و حکومت، یا برنامه‌ها و فعالیت‌های آنها انجام می‌دهند. مشارکت سیاسی شهروندان در شرایط احساس امنیت اجتماعی شکل می‌گیرد و همراه با ادراک سیاسی و کاربست آن در جامعه استمرار می‌یابد. احساس امنیت اجتماعی از جمله ملزومات اساسی توسعه پایدار و موزون یک جامعه به شمار می‌رود. احساس امنیت به معنای آرامش روحی و روانی در برابر خطرها و حوادثی است که در زندگی روزمره فرد را تهدید می‌کند. در استقرار ساز و کارهای امنیت اجتماعی، نقش مشارکت مردم بیش از هر اقدام سخت‌افزاری اهمیت‌آی‌حایز اهمیت است. چرا که برآیند مطلوب هر نظام سیاسی که چگونگی فضای امنیتی جامعه نیز متأثر از آن است، عبارت از میزان رضایتی است که آحاد مردم از عملکرد آن نظام در تعامل با محیط پیرامونی دارند. روش تحقیق پژوهش در جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها، روش پیمایشی است. برای جمع‌آوری اطلاعات از پرسشنامه استفاده شده است. جامعه آماری پژوهش نیز شهروندان بالای هجده سال ساکن در مناطق چهارده گانه شهر اصفهان هستند. که براساس سرشماری سال ۱۳۸۵، تعداد آنها ۱۲۴۸۷۵۴ نفر است. با استفاده از فرمول کوکران و نمونه‌گیری سهمیه‌ای تعداد ۳۸۴ به عنوان نمونه انتخاب و بررسی شدند. یافته‌ها نشان داد که همبستگی معناداری بین ابعاد مشارکت سیاسی با احساس امنیت اجتماعی وجود دارد.

واژه‌های کلیدی: امنیت، امنیت اجتماعی، مشارکت سیاسی، نگرش سیاسی.

مقدمه

امنیت مقوله‌ای اساسی در هر نظام اجتماعی است و مقدمه لازم برای حیات سیاسی و اجتماعی دولت‌ها به شمار می‌آید. امنیت پیش نیاز هر گونه توسعه در زمینه‌های گوناگون سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و علمی بوده، همه تمامی کشورها در جهت رسیدن به این آرمان فعالیت می‌نمایند. امنیت از نیازها و انگیزه‌های اساسی انسان به شمار می‌رود، به طوری که با زوال آن آرامش خاطر انسان از بین می‌رود و تشویش، اضطراب و ناآرامی جای آن را می‌گیرد و مرتفع شدن بسیاری از نیازهای آدمی در گرو تامین امنیت است (نوروزی و فولادی سپهر، ۱۳۸۸: ۱۳۰).

امنیت، پدیده‌ای احساسی و ادراکی است و بیشتر به احساس روانی شهروندان از عوامل تهدید کننده بر می‌گردد. از دید بسیاری، احساس امنیت در جامعه مهمتر از وجود امنیت است، زیرا واکنش‌های فرد در جامعه به میزان دریافت و ادراک او از امنیت بستگی دارد. مقوله احساس امنیت به مثابه یک آرمان و واقعیت، به عنوان یکی از حقوق اساسی مردم مطرح است و در نهایت، رهاورد مجموعه‌ای از تعاملات و نیز تعاون و سازگاری بین اجزای مختلف نظام اجتماعی است. این احساس ناشی از تجربه‌های عینی و اکتسابی افراد از شرایط و اوضاع پیرامونی است. احساس امنیت یک تولید اجتماعی است که همه ارکان جامعه از جمله مردم، حاکمیت، پلیس و در تولید و ارتقای آن نقش کلیدی دارند. در جوامع امروزی که رای مردم نقش مهمی در جابه جایی مقامات و تدوین و اجرای سیاست‌ها دارد، در نهایت این جنبه ذهنی و احساس امنیت است که نمره کارنامه عملکرد دولت‌ها و سیستم‌های امنیتی را تعیین می‌کند و به همین دلیل، موضوع احساس

امنیت به چالشی مهم برای سیاستمداران و سوزده‌ای پر استفاده در رقابت‌های انتخاباتی تبدیل شده است (حسینی، ۱۳۸۶: ۱۱۳).

امنیت برآیند تعامل و مشارکت همگانی کنشگران اجتماعی و در نتیجه یک تولید اجتماعی است که با میزان احساس مسئولیت و مشارکت اجتماعی ارتباط نزدیکی دارد؛ به این معنا که امنیت اجتماعی مقوله‌ای است که از طریق مردم و برای مردم ایجاد می‌شود. در بینش سیاسی اسلام، حضور و مشارکت مردم در فرآیند تصمیم‌گیری یکی از ارکان امنیت ملی تلقی می‌شود. نقش مشارکت مردمی در افزایش امنیت اجتماعی تعیین کننده است. تقویت مشارکت سیاسی، شرط حیاتی و ضروری تأمین احساس امنیت و آرامش خاطر شهروندان به منظور ترغیب ایشان برای حضور در عرصه‌های سیاسی برای تعیین سرنوشت خویش و در نهایت توسعه اقتصادی کشور است که به‌طور حتم غفلت از آن، پیامدهایی ویرانگر در زمینه ثبات سیاسی و اقتصادی به دنبال خواهد داشت. مشارکت سیاسی، نوعی مسئولیت‌پذیری مردم برای تعیین سرنوشت جمعی خودشان است که به آنان از رهگذر دخالت در فرآیند تصمیم‌گیری احساس امنیت خاطر می‌بخشد. مشارکت مردمی در واقع تجلی مشروعیت حاکمیت و ضامن تأمین و ثبات سیاسی است. مشارکت مردمی می‌تواند به مثابه مؤثرترین و مناسبترین پشتوانه برای حل و فصل معضلات و بحران‌های سیاسی و اجتماعی و امنیتی استفاده می‌شود و هر دولتی که بتواند جلوه‌های بیشتری از همکاری و همدلی توده‌های مردمی را در ابعاد مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و به خصوص در دفاع از کشور و حکومت در مقابل تهدیدات داخلی و خارجی جلب نماید، می‌تواند در جامعه

هابز امنیت را با «حفظ جان و صیانت نفس» مترادف دانسته، جان لاک آن را «حفظ اموال و دارایی» می‌داند (اشتراوس، ۱۳۷۳: ۶۲). امنیت امروز دچار تصور مفهومی شده و از رویکرد نظامی محور خود فاصله گرفته است و پارامترهای نرم‌افزاری جایگزین پارامترهای سخت‌افزاری شده‌اند.

پس از پایان جنگ سرد، باری بوزان^۲ به همراه ال ویور^۳ در مکتب کپنهاگ^۴، در پی گسترش مفاهیم امنیت، تحلیل‌های ظریفی ارائه و ایده امنیت اجتماعی را مطرح کردند. آنها این کار را از طریق توجه به ابعاد اجتماعی، اقتصادی، محیطی، سیاسی و نظامی امنیتی انجام دادند (Bilgin, 1998: 38). در رویکرد جدید، امنیت با عطف توجه به زمینه‌ها و بسترهای اجتماعی و فرهنگی تعریف می‌شود و علاوه بر فراغت از تهدید، که عمدتاً از تهدیدات سخت سرچشمه می‌گرفت، بر حفظ شرایط مساعد برای حفظ هویت اجتماعی و سرمایه‌های اجتماعی جامعه تأکید شده است. این نوع نگاه به امنیت با تعبیری چون: امنیت اجتماعی شده و امنیت جامعه محور بیان می‌شود. از این منظر، امنیت از درون جامعه جوشیده و لذا تنها امنیت داخلی، بلکه حتی امنیت خارجی با عنایت به مناسبات داخلی (بین عناصر گوناگون جامعه و حکومت) فهم و درک می‌شود. بر این اساس، امنیت اجتماعی وضعیتی است که در آن اولاً هویت اجتماعی از ناحیه آسیب‌های داخلی و خارجی مصون باشد، ثانیاً بنیاد روابط سیاسی- اجتماعی بر مقوله رضایت و نه قدرت استوار است (افتخاری، ۱۳۸۲: ۹۳). امروزه معنای امنیت علاوه بر مسایل جانی و مالی به حوزه‌های متفاوت آزادی، مشارکت

بین‌المللی از اعتبار، شخصیت و موقعیت رفیع‌تری برخوردار گردد (حسنی، ۱۳۸۴: ۱۴۳). ضرورت مطالعه و تحقیق در خصوص رابطه مشارکت سیاسی و احساس امنیت از آنجا ناشی می‌شود که تهدیدات داخلی بالفعل و بالقوه در کشورهای کم‌توسعه یافته، اغلب، امنیت اجتماعی این جوامع را به خطر می‌اندازد. از طرف دیگر، از آنجایی که مشارکت کنندگان سیاسی در انجام کنش با مراجعه به ذهنیت روان شناختی و تاریخی خود به تصمیم‌گیری و انجام کنش اقدام می‌نمایند، لذا ارزیابی و احساس آنها از فضای کنش نقش بستری و زمینه ساز در این تصمیم‌گیری ایفا می‌نماید. بر همین اساس، شناسایی عوامل و عناصر تأمین امنیت اجتماعی و احساس ایمنی از پیش شرط‌های اساسی در جهت برنامه‌ریزی برای ارتقای مشارکت سیاسی به شمار می‌رود و از نقش بالایی در برنامه‌ریزی‌های راهبردی دولت‌ها برخوردار است. تحقیق حاضر به همین منظور و در پی شناسایی رابطه احساس امنیت اجتماعی با مشارکت سیاسی انجام شده است.

مبانی نظری

امنیت در مفهوم سنتی آن عبارت بود از امنیت نظامی و توسل به قوای قهریه برای حصول آرامش و فرار از خطرها. این مفهوم ناظر به شرایطی است که کشور مصون از تعرضات و قادر به حفظ ارزش‌های سیاسی و فرهنگی و تأمین رفاه عمومی و بر طرف نمودن عوامل تهدیدزا باشد. نظریه‌پردازان علوم اجتماعی، نظیر هابز، لاک، منتسکیو^۱ در قرن شانزدهم و هفدهم میلادی در کنار فرضیه دولت (لویتان) و اصل قرارداد اجتماعی آن را مطرح نمودند؛ به طوری که

^۲ Barry Buzan

^۳ L. Weaver

^۴ Copenhagen School

^۱ Hobbes & Locke & Montesquies

وضعیت به صورت سازوکاری در می‌آید که از طریق آن مردم در صدد دستیابی به سطوح کافی از امنیت در مقابل تهدیدات جامعه هستند. براساس این دیدگاه، هر چه یک جامعه دارای دولت و ساختار سیاسی قوی و قدرتمندی باشد، امنیت افراد بهتر و با هزینه کمتری تأمین می‌گردد، اما در کشورهایی که ساختار حکومت به خوبی نهادینه نشده و ضعیف باشد، افراد برای تأمین امنیت خود به سازو کارها و ابزارهای اجتماعی متوسل می‌شوند. خانواده، ایل و سازمان‌های محلی در این گونه جوامع، نقش مرکزی پاسخگویی به نیازهای امنیتی فردی را ایفا می‌کنند» (بوزان، ۱۳۷۸: ۸۶-۸۷).

بوزان امنیت را موضوعی بین‌ذهنی تعریف و بیان می‌کند که مسأله امنیت در اجتماع شناخته می‌شود، زیرا بازیگران می‌توانند به آن ارجاع دهند و به برخی پدیده‌ها به عنوان تهدید نگاه کنند. از دید وی، در تعریف جامعه باید دغدغه‌های مشترک، تاریخ، جغرافیا، فرهنگ و از همه مهمتر، هویت مشترک خاطرات و سرنوشت افراد جامعه را مدنظر داشت. در خصوص چند بعدی بودن امنیت، او بر این باور است که باید تأثیر فرهنگ، محیط زیست، تمدن و از همه مهمتر، مذهب را فهمید. بوزان امنیت اجتماعی را با قابلیت‌ها و توانمندی‌های یک جامعه در راستای حفاظت از الگوهای سنتی فرهنگ، مذهب، هویت و عرف ملی شاخص‌سازی کرده، از این نگاه حفاظت از عناصر اصلی انسجام اجتماعی جامعه را شرط تحقق امنیت برای بقا و تداوم جامعه می‌داند. از دید وی، زمانی امنیت اجتماعی مطرح خواهد بود که نیروی بالقوه و بالفعل به عنوان تهدیدی برای هویت افراد جامعه وجود داشته باشد (نویدینا، ۱۳۸۲: ۶۵). در واقع بوزان، نقطه آغازین امنیت را ذهنی و مبتنی

سیاسی، تأمین اشتغال و رفاه و حتی بهره‌گیری از اوقات فراغت و برآوردن استعدادهای هم کشیده شده است. البته، میزان و محدوده این موضوع ها و حوزه‌ها با پیش و اندیشه نظام‌های سیاسی و نوع آنها متناسب است؛ دینی یا سکولار و لائیک بودن، لیبرالیست یا مارکسیست بودن، توتالیتر و انحصارگرا یا دموکرات بودن، به جامعه مدنی و حوزه خصوصی افراد اهمیت دادن و عواملی دیگر بر مؤلفه‌ها چارچوب امنیت تأثیر می‌گذارد (حسنی فر، ۱۳۸۳: ۱۲۲).

مکتب کپنهاک با برخورداری از چارچوب سازه‌نگارانه و توجه به مسائل هویتی، فرهنگی، مهاجرت و نقش آنها در رابطه با امنیت تا حد زیادی به تحولات نوظهور و چالش‌های امنیتی- اجتماعی پرداخته است. این مکتب در مباحث هستی‌شناسی خود نگاهی تاریخی به پدیده‌های اجتماعی افکنده، به نقش هنجارها، قواعد و فرهنگ نیز توجه ویژه‌ای دارد. نگاه تفسیرگرا، تاریخی و ایدئوگرافیک - (تأکید بر جنبه منحصر به فرد و یگانه پدیده‌های اجتماعی) و توجه به ابعاد هنجاری در کنار ابعاد توصیفی و تحلیلی را می‌توان معرف شناخت‌شناسی مکتب کپنهاک دانست. باری بوزان در کتاب خود با عنوان «مردم، دولت ها و هراس» مطرح می‌کند «از آنجا که جامعه از افراد مختلفی که دارای منافع و مناسبات متفاوتی هستند، تشکیل شده است، پس این افراد در جامعه خود به عنوان منبع ناامنی تلقی می‌شوند، به طوری که هر کس به دنبال تأمین منافع خود است، اما به تدریج افراد بر اثر آگاهی و پی بردن به تهدیدات و منابع ناامنی خود برای حفظ خویش و دارایی شان، آماده واگذاری آزادی خود به مرجع مستقلی به نام دولت می‌گردند. به تدریج این

مانند گروه‌های ملی، گروه‌های قومی یا اجتماعات مذهبی ارتباط پیدا می‌کند. از آنجا که همه جوامع تعدادی از گروه‌های با هویت خاص خود را دارند، بنابراین، این گروه‌ها، واحدهای ابتدایی تحلیل امنیت اجتماعی به حساب می‌آیند (صمدی بگه جان، ۱۳۸۴: ۶۴).

ویور امنیت اجتماعی را توانایی جامعه برای حفظ ویژگی‌های الگوهای اساسی اش تحت شرایط تغییر و تهدیدات واقعی و محتمل تعریف می‌کند. ویور بر ارتباط نزدیک میان هویت، جامعه و امنیت تأکید دارد و خاطر نشان می‌کند که جامعه امنیت هویتش را جستجو می‌کند، به طوری که باید قادر به حل اختلافات هویتی باشد و اعضای آن نمی‌توانند نسبت به چیزهایی که هویتشان را تهدید می‌کند، احساس مسؤولیت نکنند (Watson, 2005: 8). ویور بیان می‌کند که در مقابل تهدیدهای فرهنگی فقط می‌توان با به کارگیری ابزار «فرهنگ» دفاع کرد و اگر هویت کسی تهدید شود، پاسخ این تهدید عبارت است از تقویت هویت‌های موجود (Waever, 2000: 23). از دیدگاه ویور، در حالی که امنیت ملی، درگیر و دل مشغولی تهدیدهایی است که متعرض اقتدار دولت می‌شوند؛ امنیت اجتماعی، نگران تهدیدهایی است که به هویت جامعه تعرض می‌کنند. اگر جامعه‌ای هویت خود را از دست بدهد، دیگر دوامی نخواهد داشت. بنابراین، گرچه دولت اکنون محمل و مرجع امنیت نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و محیطی است، اما اجتماع نیز در حد خود، مرجع امنیت اجتماعی به شمار می‌رود (روی، ۱۳۸۲: ۶۹۳).

امنیت اجتماعی اولاً حاصل فضای اجتماعی است؛ یعنی در بستری اجتماعی شکل می‌گیرد؛ ثانیاً بر رهایی از اضطراب و تعقیب دلالت دارد؛ ثالثاً

بر تصمیم بازیگران معرفی کرد و بیان داشت که مسأله امنیت در اجتماع شناخته می‌شود، زیرا بازیگران می‌توانند به آن رجوع کنند و برخی پدیده‌ها را به عنوان تهدید نگاه کنند (ابراهیمی، ۱۳۸۶: ۴۴۶). از دید بوزان، مقوله کلیدی اجتماع عبارت است از آن دسته از اعمالی که افراد آن را به عنوان اعضای آن جامعه خاص معرفی می‌کنند و باز می‌شناسانند. اجتماع درگیر هویت است و درگیر خودباوری گروه‌ها و افرادی که خود را اعضای اجتماعی می‌دانند (روی، ۱۳۸۲: ۶۹۳). ممکن است تهدیداتی که امنیت اجتماعی را تحت الشعاع قرار می‌دهند؛ زمانی روی دهند که جوامع به این نتیجه برسند که در شرایطی خاص، هویت «ما» مورد تعرض و خطر واقع شده است. به عقیده بوزان، عواملی که می‌توانند هویت یک جامعه را تهدید کنند، ممکن است از سرکوب آزادی بیان تا مداخله در قابلیت‌های آن برای ابراز هویت خود متغیر باشند. تهدیدات تأثیرگذار بر امنیت اجتماعی زمانی روی می‌دهند که جوامع به این نتیجه می‌رسند که در شرایطی کنونی، هویت «ما» مورد تهدید و تعرض واقع شده است (Buzan; Wearver, 1998: 4-5).

ال ویور حوزه امنیت را بر حسب نوعی دوگانگی امنیت دولت و امنیت اجتماعی در نظر می‌گیرد. امنیت اجتماعی در نظریه ویور بخشی از امنیت دولتی به شمار می‌رود، اما به عنوان یک بخش مستقل هم (که بوزان از آن غفلت ورزیده) به آن ارجاع داده شده است (Roe, 1996: 11). با چنین نگرشی، امنیت اجتماعی تنها با کاربرد آن برای بررسی گروه‌ها یا واحدهای جمعی که به عنوان واقعیت‌های سیاسی و اجتماعی شناخته شده‌اند، فهمیده می‌شود و مفهوم امنیت اجتماعی با هر شکل خاص اجتماع سیاسی

کولین نیز مشارکت سیاسی را برآمده از ساختار اجتماع می‌داند. وی بر آمادگی ذهنی و وجود انگیزه‌های شخصی برای تحقق مشارکت و توسعه تأکید می‌ورزد. مشارکت سیاسی مؤثر مستلزم وجود انگیزه‌های شخصی است. به عبارتی، مشارکت قبل از اینکه نمود عینی بیابد، پدیده‌ای ذهنی است که باید آن را در افکار، عقاید، رفتار و فرهنگ مردم جستجو کرد (وطنی، ۱۳۸۶: ۳۲).

برخی از نظریات روان شناختی معتقدند که مردم به این علت در حوزه‌های سیاسی مشارکت می‌کنند که از طریق فعالیت در فرآیندهای سیاسی به نوعی خشنودی روانی دست پیدا می‌کنند، اما برخی دیگر معتقدند که در مشارکت شهروندان، سودمندی نقش بسیار ضعیفی بازی می‌کند، بلکه شهروندان به این دلیل در رأی گیری‌ها مشارکت می‌کنند که آنها سعی می‌کنند ضررهای احتمالی را به حداقل برسانند، که نبود امنیت اجتماعی یکی از این مضرات می‌تواند باشد (Levine, 2005: 30). بر طبق تئوری شایستگی، افراد با منبع کنترل داخلی انگیزه بالایی برای شرکت در فرایند سیاسی دارند؛ زیرا این گونه افراد بر این باورند که می‌توانند سیستم‌های سیاسی را مانند سیستم‌های دیگر اطراف خود، با تلاش و فعالیت خویش متأثر سازند. این افراد احساس درماندگی نمی‌کنند و معتقدند که می‌توانند زندگی خود را کنترل کنند و چون نظام سیاسی می‌تواند بر زندگی و سرنوشت آنها تأثیر گذارد، بنابراین، آنها نیز باید به بهترین وجه آن را تحت تأثیر قرار دهند (Levine, 2005: 34).

به نظر می‌رسد که وربا و همکاران او توجه محکمی برای گنجاندن متغیرهای روانی به عنوان متغیرهای تأثیرگذار بر مشارکت سیاسی ارائه داده‌اند.

امنیت اجتماعی ناظر بر مبادلات اجتماعی و استفاده از آنها به مثابه فرصتی برای اطمینان بخشی و اعتمادسازی است که مقوم پایداری و پیش بینی کنشگران اجتماعی است. می‌توان ادعا نمود که امنیت اجتماعی باعث گسترش فضای اجتماعی می‌شود؛ چرا که با از بین رفتن موانعی که در خصوص پیامدهای امنیت بخشی دولت مطرح شد، فضای جدیدی به روی اجتماعات گشوده شده، زمینه‌های جدیدی برای فعالیت گروه‌های اجتماعی مهیا می‌گردد، هویت‌های مختلف به رسمیت شناخته می‌شوند و حق حیات، ارتقا و بهینه‌سازی شرایط آنان روا می‌گردد. از این‌رو، بستر تفاوت‌ها و تمایزات رشد نموده، دغدغه مجازات به دلیل ناهمگونی، پایان می‌پذیرد و فضای اجتماعی برای ابفای نقش هویت‌های گوناگون باز می‌شود (نویدنیا، ۱۳۸۲: ۶۰).

با توجه به اینکه احساس امنیت اجتماعی یک متغیر روانی-انگیزشی است، پس باید از رویکرد روان شناختی به بررسی رابطه احساس امنیت اجتماعی و مشارکت سیاسی پرداخته شود. سؤال اصلی در تبیین‌های روان شناسانه این است که چرا همه افرادی که تحت تأثیر محرک‌های یکسانی قرار می‌گیرند، رفتارهای متفاوتی از خود نشان می‌دهند؟ در واقع، تبیین روان شناسانه نتیجه تعامل و روحیات فرد با نظام سیاسی حاکم را در رفتار مشارکت سیاسی می‌بیند (هاشمی و دیگران، ۱۳۸۸: ۲۰۷). در این راستا، اولبیک و فانک بر این اعتقادند که مشارکت سیاسی موضوع روان شناسی اجتماعی است و رفتار افراد را در متن جامعه در بر می‌گیرد. آنها معتقدند که توجه بیشتر به اصول روان شناسی اجتماعی می‌تواند به درک بیشتر مشارکت در نظام سیاسی کمک کند (Ulbig and Funk, 1999:266).

فعالیت‌های سیاسی در مقایسه با سایر فعالیت‌ها انتظار داشته باشند، کمتر در فعالیت‌های سیاسی مشارکت می‌کنند (Dahl, 1984: 98). در این راستا، از دید اکبرت بندورا تنها افرادی که به قابلیت‌های خود و به شرایط محیط سیاسی اعتماد دارند، با دلگرمی دست به مشارکت سیاسی می‌زنند. افرادی که احساس نا امنی و بی‌اعتمادی دارند، از مشارکت سیاسی کناره‌گیری می‌کنند، یا به مشارکت‌های سیاسی اعتراضی روی می‌آورند (سیدامامی، ۱۳۸۶: ۶۶).

بر اساس مکانیسم پویایی رفتار جمعی در نظریه هربرت بلومر^۱ نیز استنباط می‌شود که منشأ و علت اصلی پیدایش تمایلات سیاسی، در مرحله اول این پویایی یعنی مرحله تحریک است. در این مرحله فرد نسبت به موضوع‌های خاص حساس شده و ضمن احساس تعلق و مسئولیت نسبت به مسأله، با توجه و فعالیت بیشتر پیرامون موضوع تحریک می‌شود. در این حالت، افراد هر چه بیشتر از ساخت فرهنگی غافل شده و بیشتر نسبت به موضوع‌هایی که او را تحریک کرده‌اند، حساس می‌شوند. پس بلومر عامل نبود احساس امنیت را سبب گرایش به فعالیت‌های سیاسی می‌داند (دوورژه، ۱۳۶۹: ۳۵).

همچنین، بر اساس نظریه مبادله (که نمایندگان اصلی آن جورج هومنز^۲ و پیتر بلاو^۳ هستند) مردم دست به رفتاری می‌زنند که پاداشی برایشان داشته باشد و نیازهایشان را برآورده سازد. بنابراین، در این نظریه به شیوه‌های عقلانی انتخاب اعمال توجه می‌شود می‌توان گفت که این نظریه پیدایش گرایش‌های سیاسی بین افراد یک جامعه را بر پایه

آنها نشان می‌دهند که انگیزه‌های روانی یکی از برجسته‌ترین علل مشارکت سیاسی انسان‌هاست؛ مثلاً در میان افرادی که نگرانی بیشتری برای مسائل محیط پیرامون خود دارند، مشارکت سیاسی شایعتر از دیگران است (Verba et al., 1995: 103-112). مایکل راش نیز معتقد است فرد ممکن است نسبت به پدیده‌ها و انگیزه‌های سیاسی خارجی - مثل امنیت و تهدید امنیت - واکنش‌های متفاوتی نشان دهد. ممکن است افراد با توجه به شناختی که از شرایط دارند و با بررسی وضعیت‌های سیاسی واقعی یا بالقوه، تصمیم بگیرند که در سیاست مشارکت کنند - واضح است که در این زمینه، رفتار مناسب ممکن است حتی شرکت نکردن در فعالیت سیاسی باشد (راش ۱۳۷۷: ۹۲-۹۴).

دال نیز بر این عقیده است که ایجاد اعتماد و مسئولیت‌پذیری در بین فعالان سیاسی، مهمترین الزام مشارکت سیاسی است. به نظر او، در سیاست بین نظر علمی و عقاید، یعنی معرفت سیاسی و عقیده سیاسی فاصله‌ای نیست. بنابراین، برای دال این نکته آشکار است که عوامل انگیزشی همانند نیاز به امنیت، و تهدید امنیت، در عمل سیاسی فرد اثر می‌گذارند و ساختار و کارکرد نهادها و نظام‌های سیاسی را متأثر می‌سازند. به نظر وی، وقتی افراد تصور کنند آنچه انجام می‌دهند، اثر درخور توجهی بر نتایج سیاسی خواهد گذاشت، بیشتر در امور سیاسی درگیر می‌شوند و برعکس (Dahl, 1984: 99). اثربخشی سیاسی نگرشی است که بر اثر آن فرد احساس می‌کند با مشارکت سیاسی خود بر فرایندهای سیاسی اثر گذاشته، بر آنها کنترل و نظارت می‌کند و می‌تواند از این طریق به ارضای نیازهای خود بپردازد. دال اظهار می‌کند که اگر انسان‌ها ارزش و پاداش کمی از

¹ Herbert Blumer

² George Homans

³ Peter Blau

پایبندی مذهبی در تبیین میزان احساس امنیت اجتماعی زنان سهم عمده‌ای داشتند و مقدار تبیین به دست آمده نیز ۳۶ درصد بوده است.

نبوی و دیگران (۱۳۸۹) عوامل اجتماعی و اقتصادی مؤثر بر احساس امنیت اجتماعی را بررسی کردند. تحقیق به روش پیمایشی و با استفاده از ابزار پرسشنامه، در میان ساکنان ۱۶ سال و بالاتر شهرستان اهواز، در سال ۱۳۸۷ به انجام رسیده است. مهمترین نتایج حاصل از آزمون رابطه بین متغیرهای تحقیق نشان داد که متغیرهای گرایش به مشارکت در تأمین امنیت، تلقی از عملکرد پلیس و پایگاه اجتماعی-اقتصادی به صورت مستقیم، و متغیر احساس محرومیت نسبی به طور معکوس بر احساس امنیت اجتماعی افراد تأثیرگذار هستند. متغیرهای تلقی از عملکرد قانون و جنسیت، تنها بر بعد امنیت جانی اثرگذار هستند.

پژوهش ایمان و دیگران (۱۳۸۹) به بررسی ارتباط بین مسئولیت اجتماعی جوانان و احساس امنیت اجتماعی در شهر مشهد می‌پردازند. براساس یافته‌های تحقیق، بین مسئولیت اجتماعی ($r = .64$)، تعهد اجتماعی ($r = .52$)، اعتماد اجتماعی ($r = .72$) و تحصیلات جوانان ($r = .34$) با احساس امنیت اجتماعی ارتباط معناداری وجود دارد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که هرچه مسئولیت پذیری جوانان بیشتر باشد، زمینه رشد و شکوفایی جامعه در نتیجه فراهم شدن امنیت اجتماعی بیشتر می‌شود.

خوشفر (۱۳۷۸) تحقیقی با عنوان " بررسی مشارکت مردم در ایجاد حفظ و گسترش امنیت اجتماعی" انجام داده است. این تحقیق به روش پیمایشی و برای ساکنان ۲۰ سال به بالای مراکز شهرستان‌های استان مازندران به انجام رسیده است.

سود و زیان توجیه می‌کند؛ به این صورت که افراد در هر مرحله زمانی و جایگاه مکانی اگر پاداشی را ببینند، ممکن است به آن سو تمایل بیشتری پیدا کنند (کریب، ۱۳۷۸: ۸۷). به نظر می‌رسد که تضمین امنیت اجتماعی یکی از پاداش‌های رفتارهای سیاسی در این رویکرد است.

پیشینه تحقیق

در زمینه امنیت اجتماعی در داخل و خارج از کشور مطالعاتی انجام شده است. در این قسمت به برخی از مهمترین مطالعات انجام گرفته اشاره می‌شود:

ساروخانی و هاشمی (۱۳۹۰) در پژوهشی به بررسی نگرش جوانان شهر ساری به سرمایه اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی در بین آنان پرداخته‌اند. جامعه آماری این پژوهش را کلیه جوانان ۱۵-۲۹ سال شهر ساری تشکیل داده‌اند. نتایج این پژوهش نشان داد که بین مشارکت اجتماعی، اعتماد اجتماعی، روابط اجتماعی، انسجام اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی در بین جوانان شهرساری رابطه معناداری وجود دارد. نوروزی و فولادی سپهر (۱۳۸۸) در پژوهشی به پیمایش احساس امنیت اجتماعی در بین زنان ۱۵-۲۹ ساله شهر تهران و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن پرداخته‌اند. نتایج آماری آزمون‌ها نشان داده است که متغیرهای احساس امنیت محل سکونت، پایگاه اقتصادی و اجتماعی و احساس نظم اجتماعی تأثیر مثبت و مستقیم؛ و متغیر پایبندی مذهبی تأثیر منفی و معکوسی بر احساس امنیت اجتماعی زنان دارند. تحلیل رگرسیون چند متغیره نیز نشان داده است که به ترتیب متغیرهای احساس امنیت محل سکونت، پایگاه اقتصادی و اجتماعی، احساس نظم اجتماعی و

فعالیت‌های ارادی و داوطلبانه‌ای که از راه آن اعضای یک جامعه در امور محله، شهر و یا روستای خود شرکت می‌کنند و به صورت مستقیم یا غیر مستقیم در شکل دادن به حیات اجتماعی خود سهیم می‌شوند (محسنی تبریزی، ۱۳۷۵: ۱۲). اولیگ و فانک^۱ بر این اعتقادند که مشارکت سیاسی موضوع روان‌شناسی اجتماعی است و رفتار افراد را در متن جامعه در بر می‌گیرد. آنها معتقدند که توجه بیشتر به اصول روان‌شناسی اجتماعی می‌تواند به درک بیشتر مشارکت در نظام سیاسی کمک کند (Ulbig & Funk, 1999:266). از دیدگاه وینر^۲، مشارکت سیاسی هر عمل داوطلبانه موفق یا ناموفق، سازمان یافته یا بدون سازمان، دوره‌ای یا مستمر، شامل روش‌های مشروع و نامشروع برای تأثیر بر انتخابات رهبران و سیاست‌ها و اداره امور عمومی در هر سطحی از حکومت محلی یا ملی است (Weiner, 1971: 164). کانوی^۳ مشارکت سیاسی را به عنوان فعالیت‌هایی تعریف می‌کند که طی آن شهروندان می‌کوشند تا ساختار حکومت، گزینش رهبران حکومتی و یا برنامه‌های دولت را تحت تأثیر قرار دهند (Conway, 2000: 3). از دید کانوی، فعالیت‌های سیاسی هم می‌تواند در حمایت از سیاست‌ها و برنامه‌های موجود باشد و هم می‌تواند تقاضای تغییر برخی از سیاست‌ها و یا حاکمان باشد. با توجه به گستردگی و افزایش تنوع مشارکت در جوامع، به نظر می‌رسد که نیاز داشته باشیم مشارکت سیاسی را از رفتار سیاسی متمایز کنیم، چرا که مشارکت سیاسی انواع و سطوح مختلفی دارد و این امر تحت تأثیر شرایط اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، باورهای مذهبی

نتایج تحقیق حاکی از آن است که پاسخگویان در حد کم احساس امنیت می‌کنند؛ گرایش پاسخگویان نسبت به برقراری امنیت در حد کم است؛ کمترین احساس امنیت در بعد امنیت جانی و بیشترین احساس امنیت در بعد امنیت مالی است؛ مشارکت در تأمین امنیت، طبقه اجتماعی و جنس بر احساس امنیت اجتماعی اثرگذار است. نتایج پژوهش شاپیرو (۲۰۰۸) نشان می‌دهد مردمی که مشارکت سیاسی دارند، از بیشتر بعدهای دیگر زندگی نیز راضی هستند. اطلاعات گرفته شده از آمریکای لاتین نشان می‌دهد که رابطه مثبت و معناداری میان رأی دادن و رضایت از زندگی وجود دارد. استفاده از مدل‌های چندسطحی این پژوهش نشان می‌دهد که بین شکل‌های مختلف دیگر از مشارکت سیاسی و رضایت از زندگی نیز رابطه معنی داری وجود دارد.

مفهوم‌شناسی موضوع

الف) مشارکت سیاسی

مشارکت سیاسی از شاخص‌های توسعه اجتماعی، توسعه فرهنگی و توسعه سیاسی در کشورها به شمار می‌رود و از مصادیق حضور مردم در تعیین سرنوشت خود است. از مؤثرترین راه‌های رسیدن به توسعه واقعی و با دوام، همان جلب مشارکت مردم در فرایند توسعه از مرحله تصمیم‌گیری تا اجراست. مشارکت سیاسی نوعی کنش هدفمند در فرایند تعاملی بین کنشگر سیاسی و محیط اجتماعی او در جهت نیل به اهداف معین و از پیش تعیین شده است؛ فرایندی که افراد جامعه به صورت آگاهانه و جمعی، با در نظر داشتن اهداف معین و مشخص که به سهیم شدن آنها در منابع اجتماعی منجر می‌شود، در آن شرکت می‌کنند. مشارکت عبارت است از

¹ Ulbig & Funk

² Weiner

³ Conway

فعالیت‌هایی که توسط شهروندان - که کم و بیش به طور مستقیم بر انتخاب پرسنل دولتی و یا تصمیم‌گیری‌های آنها تاثیر می‌گذارند صورت می‌گیرد. از نظر وربا و همکارانش، اگرچه مشارکت سیاسی شامل طیف گسترده‌ای از فعالیت‌هاست، اما تنها آن نوع فعالیت‌هایی مشارکت سیاسی محسوب می‌شوند که بر نظام سیاسی تاثیر داشته باشند. چنین فعالیت‌هایی شامل رای دادن، کار مبارزاتی و حزبی، فعالیت‌های ارتباطی، تماس با مسئولان، شرکت در جلسات سیاسی، اعتراض سیاسی و فعالیت‌های مرتبط دیگر است. از این رو، وربا و همکاران او نتیجه‌گیری می‌کنند که باید در تعریف مشارکت سیاسی، به جای نگرش‌ها و جهت‌گیری‌های افراد، بر فعالیت‌ها و رفتارهای آنها تمرکز کرد و به جای توجه به سیاست، به انجام سیاست توجه کرد (verba et al, 1995: 39). بدین منظور، پژوهشگر از دو نوع مشارکت سیاسی متعارف و غیر متعارف برای سنجش مشارکت سیاسی افراد مورد بررسی بهره برد:

۱- مشارکت سیاسی متعارف: مشارکت سیاسی متعارف، فعالیت‌هایی هستند که از طرف جامعه قانونی و متعارف تشخیص داده می‌شود. این نوع مشارکت به منظور حمایت از نظام سیاسی و تأثیرگذاری بر آن در چهارچوب‌های مشخص و تعیین شده که به طور متعارف و برنامه‌ریزی شده توسط سازمان‌ها و نهادهای رسمی کشور صورت می‌گیرد، انجام می‌شود؛ ۲- مشارکت سیاسی غیرمتعارف: مشارکت سیاسی نامتعارف فعالیت‌هایی هستند که از سوی جامعه نامناسب و حتی گاهی اوقات فرا قانونی تشخیص داده می‌شوند (Conway, 2000: 3-5). این نوع مشارکت بیشتر جنبه اعتراضی و غیر رسمی دارد.

و پیشینه تاریخی قرار می‌گیرد. مشارکت سیاسی می‌تواند به شکل عضویت در احزاب و اتحادیه‌ها، کسب اطلاعات سیاسی، بحث درباره موضوع‌های سیاسی و شرکت در تحصن و اعتصاب‌های صنفی یا به اشکال بسیجی و توده‌ای، همچون تظاهرات مشاهده شود. مشارکت سیاسی همچنین می‌تواند به صورت مشارکت انتخاباتی؛ یعنی براساس انتخاب نمایندگانی برای تصدی امور سیاسی و اجتماعی نیز بروز یابد (امام جمعه زاده و دیگران، ۱۳۸۹). پژوهشگر سطوح مشارکت سیاسی را در این پژوهش را در دو بخش بررسی کرده است:

عوامل روان شناختی - نگرشی (نگرش نسبت

به مشارکت سیاسی): به نوع پنداشت فرد از شرکت در فعالیت‌های سیاسی گفته می‌شود که قبل از هر اقدامی، به او کمک می‌کند تا وضعیت‌های سیاسی واقعی یا بالقوه را بررسی کند. نگرش فرد در ارتباط نزدیک با تجربه، شخصیت و ارزش‌های پذیرفته شده از سوی او قرار دارد (راش، ۱۳۷۷: ۱۳۶). مشارکت ذهنی یا روحی-روانی مفهومی مکمل است که بازتاب دهنده معرفت و شناخت نسبت به مسائل اجتماعی و سیاسی است. میلبرث و گوئل^۱ مشارکت ذهنی را به عنوان میزان علاقه‌مندی شهروندان نسبت به سیاست و امور حکومتی، تعریف کرده اند (Milbrath & Goel, 1977: 46).

مشارکت سیاسی عینی: جنبه دیگر مشارکت، مشارکت سیاسی عینی است؛ یعنی درگیر شدن در فعالیت‌هایی که بنا به تعریف مشارکت سیاسی محسوب می‌شوند. بعد مشارکت سیاسی عینی یا فعال در ارتباط با تعریف و ربا و همکاران او قرار دارد که مشارکت سیاسی را به عنوان تمام

¹ Milbrath & Goel

ب) احساس امنیت اجتماعی

احساس امنیت، سازه‌ای چند بعدی است و در ارتباط با شرایط اجتماعی و افراد گوناگون به گونه‌های مختلف ظهور یافته، به اشکال گوناگون نیز قابل سنجش و اندازه‌گیری است. برای بررسی احساس امنیت اجتماعی، لازم است مفاهیم امنیت و امنیت اجتماعی نیز تعریف شود.

امنیت

«امنیت» از جمله مفاهیم پیچیده‌ای است که ارائه تعریف واحدی از آن به سادگی میسر نیست. «امنیت» پیش از آنکه مقوله‌ای قابل تعریف باشد، پدیده‌ای ادراکی و احساسی است؛ یعنی این اطمینان باید در ذهن توده مردم، دولتمردان و تصمیم‌گیران به وجود آید که برای ادامه زندگی بدون دغدغه، امنیت لازم وجود دارد یا نه (کاظمی، ۱۳۵۲: ۱۱۷). امنیت به معنای آرامش، آسودگی و ایمنی است. در فرهنگ سیاسی، مهمترین عنصری که برای امنیت منظور می‌کنند، «فقدان تهدید» است. در مفهومی ساده و فراگیر، امنیت، ایجاد شرایط مطلوب سیاسی برای اطمینان خاطر از حفظ و بقای ارزش‌های فرهنگی، مذهبی، قومی و نیز برقراری آرامش و رفاه در جامعه است. باری بوزان امنیت را حفاظت در مقابل خطر (امنیت عمومی) احساس ایمنی (امنیت ذهنی) و رهایی از تردید (اعتماد به دریافت‌های شخصی) تعریف می‌کند (بوزان، ۱۳۷۸: ۵۲). در مجموع، می‌توان مفهوم «امنیت» را به مصونیت از تعرض و تصرف اجباری بدون رضایت و در مورد افراد، به نبود هراس و بیم نسبت به حقوق و آزادی‌های مشروع و به مخاطره نیفتادن این حقوق و آزادی‌ها، و مصون بودن از تهدید و خطر مرگ، بیماری، فقر و

حوادث غیرمترقبه و در کل، هر عاملی که آرامش انسان را از بین ببرد؛ تعریف نمود.

امنیت اجتماعی

امنیت اجتماعی، توانایی جامعه در دفاع از خصوصیات و ویژگی‌های اساسی خود در برابر تغییرات و تهدیدات واقعی و احتمالی است. امنیت اجتماعی ناظر بر مبادلات اجتماعی و استفاده از آنها به مثابه فرصتی برای اطمینان بخشی و اعتماد سازی است.

عدم امنیت اجتماعی زمانی مطرح می‌شود که جوامع احساس می‌کنند هویت آنها در خطر است. امنیت اجتماعی در مفهومی ساده و روان این است که هریک از افراد جامعه در اجتماع و محل زندگی خود دارای حس آرامش و آسایش باشند؛ به‌طوری که بدون هیچ‌گونه نگرانی و یا به عبارتی با اطمینان خاطر به فعالیت و ادامه روند زندگی مشغول باشند. در حالت کلی‌تر و سطحی وسیعتر، امنیت اجتماعی در بر گیرنده آرامش، سلامت، پویایی، بهزیستی، ثبات و اقتدار جامعه می‌شود (گنجی، ۱۳۸۲: ۶۳). دویچ در تعریف امنیت اجتماعی می‌گوید: منظور از امنیت اجتماعی، گروه همبسته‌ای از مردم در یک سرزمین (قلمرو) در امتداد زمانی است که دارای احساس جمعی بسط یافته و نهادی شده، آداب و رسوم فراگیر، قدرتمند و به اندازه کافی قابل اطمینان بوده، حیات اجتماعی را در زمانی طولانی بیمه می‌کند و تغییرات آرام توأم با انتظارات قابل پیش‌بینی را در میان مردمش تجربه می‌کند (Goetschel, 1999). در واقع، منظور از امنیت اجتماعی آرامش و آسودگی خاطری است که هر جمع موظف است برای اعضای خود در زمینه‌های شغلی، اقتصادی، سیاسی و قضایی ایجاد کند. بنابراین، امنیت اجتماعی چیزی

فعلی و آتی، در حوزه‌های امنیت اجتماعی، ثبات سیاسی، انسجام هویتی، یکپارچگی و امنیت سرزمین (حاجیان، ۱۳۸۴: ۲۸). همچنین، به معنای فقدان هراس از اینکه ارزش‌های انسانی مورد حمله قرار گیرد یا به مخاطره افتد و به نبود هراس و بیم نسبت به حقوق و آزادی‌های مشروع، اطمینان و آرامش خاطر، ایمنی، آرامش قلب و خاطر جمع بودن است. احساس امنیت در یک جامعه، به احساس روانی شهروندان از میزان وجود یا عدم تهدیدات در آن جامعه بر می‌گردد؛ هر چه میزان فراوانی تهدید در جامعه بیشتر باشد، احساس امنیت نیز پایین‌تر است. پس عوامل امنیت یک مفهوم بیرونی و عینی، و احساس امنیت مفهومی درونی و ذهنی است (نوروزی و فولادی سپهر، ۱۳۸۸: ۱۴۷). احساس امنیت موضوع‌های گوناگونی را در بر می‌گیرد و قلمرو آن از فرد تا اجتماع می‌تواند گسترش یابد و حیطه‌های مختلفی، از جمله ناامنی شغلی، روانی، سیاسی، جانی و قضایی را در بر گیرد.

روش پژوهش

روش تحقیق پژوهش در جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها، روش پیمایشی است. برای جمع‌آوری اطلاعات از پرسشنامه استفاده شده است. جامعه آماری پژوهش نیز شهروندان بالای هجده سال ساکن در مناطق چهارده گانه شهر اصفهان بوده‌اند که براساس سرشماری سال ۱۳۸۵، تعداد آنها ۱۲۴۸۷۵۴ نفر است. با استفاده از فرمول کوکران و نمونه‌گیری سهمیه‌ای تعداد ۳۸۴ به عنوان نمونه انتخاب و بررسی شدند. برای برآورد روایی ابزار پژوهش از اعتبار صوری استفاده شد. در این روش، پس از طراحی گویه‌های هر مفهوم، آنها در اختیار استادان و

نیست جز حالتی از آسودگی خاطر مردم از ترس، تهدید و اضطراب و مصون ماندن جان، مال، ناموس، هویت و اعتقادات آنان از هرگونه تهدید و تعرض (صدیق سروستانی، ۱۳۸۲: ۴). به طور کلی، «امنیت اجتماعی» به قلمروهایی از حفظ حریم فرد مربوط می‌شود که به نحوی در ارتباط با دیگر افراد جامعه هستند و به نظام سیاسی و دولت مربوط می‌شود. این قلمروها می‌توانند زبان، نژاد، قومیت، اعتبار، نقش اجتماعی، کار، درآمد، رفاه، مشارکت سیاسی، آزادی، اعتقاد و... باشند (حسنی فر، ۱۳۸۳: ۱۲۵). ویور امنیت اجتماعی را توانایی جامعه برای حفظ ویژگی‌های اساسی‌اش تحت شرایط تغییر و تهدیدهای واقعی و محتمل تعریف می‌کند. امنیت اجتماعی شده؛ یعنی افراد جامعه اسلامی در سیر تکوین و هدایت نظام اجتماعی، نقش و اثر خود را، قطع نظر از وابستگی‌های قومی، زبانی و نژادی در یک جامعه تسری دهند، به گونه‌ای که احساس آرامش یافته، بتوانند آن نظام را به سوی مطلوب و کمال الهی هدایت کنند.

احساس امنیت

مفهوم احساس امنیت به پدیده ذهنی اشاره دارد و نه واقعیت عینی. به بیان دیگر، هنگامی که از احساس امنیت سخن می‌گوییم، در واقع به بعد ذهنی امنیت نه واقعیت فیزیکی آن اشاره داریم، هر چند که این دو با یکدیگر مرتبط بوده، از هم تأثیر می‌پذیرند (حسنی، ۱۳۸۶: ۱۱). در واقع، احساس امنیت عبارت است از نوعی ذهنیت و جهت‌گیری روانی مثبت (رضایت بخش، قانع‌کننده و آرام بخش) شهروندان نسبت به عدم تأثیرگذاری حضور و بروز رویدادها و وقایع ضد امنیتی (تهدیدات) در شرایط

ریشه خطای میانگین مجذورات تقریب (RMSEA)^۱، شاخص برازش تطبیقی (CFI)^۲، شاخص توکر-لیوایس (TLI)^۳ شاخص نیکویی برازش (GFI)^۴ و شاخص نیکویی برازش اصلاح شده (AGFI)^۵ و با به کارگیری نرم افزار SPSS16 و Amos20 صورت گرفت.

کارشناسان گروه جامعه شناسی و علوم سیاسی قرار گرفت. اجماع و توافق نظر آنها بر سر طیفی منسجم از گویه‌ها برای سنجش هر مفهوم، به اعتبار صوری ابزار پژوهش منجر گردید. برای برآورد پایایی ابزار پژوهش از تکنیک آلفای کرونباخ استفاده شده است، که برای مؤلفه‌های مشارکت سیاسی آلفای کرونباخ برابر ۰/۸۹ و برای مؤلفه‌های احساس امنیت اجتماعی، این مقدار برابر ۰/۷۸ بود. متغیرهای اساسی در این پژوهش به صورت زیر سنجش و اندازه گیری شدند:

مشارکت سیاسی در دو بعد عوامل روان شناختی-نگرشی و مشارکت عینی سنجش شده است که عوامل روان شناختی-نگرشی با مؤلفه‌های احساس اثربخشی، اعتماد سیاسی، عوامل انگیزشی، علاقه به سیاست، در مجموع با شش گویه طراحی شده است. مشارکت سیاسی عینی در دو بعد مشارکت سیاسی متعارف و غیر متعارف سنجش شده است که مشارکت سیاسی متعارف با شاخص‌هایی، از قبیل دادن رأی، تبلیغات برای یک نامزد انتخاباتی یا حزب سیاسی، نوشتن نامه به مقامات دولتی با یازده گویه سنجش شده‌اند. مشارکت سیاسی غیرمتعارف با شاخص‌هایی، از قبیل فعالیت‌های جمعی غیر قانونی و اعتصاب و تظاهرات، نافرمانی مدنی و خشونت سیاسی در نه گویه سنجش شده است. احساس امنیت اجتماعی نیز با شاخص‌هایی، چون احساس امنیت شغلی، روانی، سیاسی، جانی و قضایی با سیزده گویه سنجش شده است.

یافته های تحقیق

برازش مدل با استفاده از مجذور خی (chi-square)،

¹ Root Mean Square Error of Approximation (RMSEA)

² Comparative Fit Index (CFI)

³ Tucker-Lewis (TLI)

⁴ Goodness of Fit Index (GFI)

⁵ Adjusted Goodness of Fit Index (AGFI)

جدول ۱- میانگین و انحراف معیار احساس امنیت و ابعاد مشارکت سیاسی

آماره‌ها	مشارکت متعارف	مشارکت غیر متعارف	مشارکت عینی	روانی انگیزشی	مشارکت سیاسی	احساس امنیت
میانگین	۱۸/۷۰	۱۵/۳۸	۳۴/۰۸	۱۹/۶۵	۵۱/۸۷	۳۳/۳۲
انحراف معیار	۳/۲۹	۴/۱۷	۵/۶۸	۳/۹۲	۷/۳۳	۴/۹۹

جدول ۱ میانگین و انحراف استاندارد نمره‌های شرکت کنندگان را در هر یک از ابعاد مشارکت سیاسی و احساس امنیت نشان می‌دهد. در ابعاد مشارکت سیاسی، بالاترین میانگین در بعد روانی انگیزشی با میانگین ۱۹/۶۵ و انحراف معیار ۳/۹۲ و ۳۳/۳۲ و انحراف معیار احساس امنیت به ترتیب ۳۳/۳۲ و ۴/۹۹ به دست آمد.

جدول ۱ میانگین و انحراف استاندارد نمره‌های شرکت کنندگان را در هر یک از ابعاد مشارکت سیاسی و احساس امنیت نشان می‌دهد. در ابعاد مشارکت سیاسی، بالاترین میانگین در بعد روانی انگیزشی با میانگین ۱۹/۶۵ و انحراف معیار ۳/۹۲ و ۳۳/۳۲ و انحراف معیار احساس امنیت به دست آمد.

جدول شماره ۲- همبستگی ابعاد مشارکت سیاسی با احساس امنیت اجتماعی

متغیرها	مشارکت متعارف	مشارکت غیر متعارف	روانی - انگیزشی	مشارکت سیاسی (کل)
احساس امنیت	۰/۵۹**	-۰/۲۶**	۰/۶۳**	۰/۵۷**
شاخص نرمال چند متغیره: ۱/۴۲	نقطه بحرانی: ۱/۰۹			N=۳۸۴
				**p<۰/۰۱

جدول ۲ همبستگی ساده (پیرسون) هر یک از ابعاد مشارکت سیاسی را با احساس امنیت نشان می‌دهد. همان‌گونه که مشاهده می‌شود، تمام همبستگی‌ها در سطح ($p < 0/01$) معنی‌دار است. بالاترین میزان همبستگی مربوط به رابطه مؤلفه روانی-انگیزشی با احساس امنیت ($r=0/63$) و کمترین میزان همبستگی مربوط به رابطه مشارکت سیاسی غیرمتعارف با احساس امنیت ($r=-0/26$) است. منفی بودن ضریب همبستگی بین این دو مؤلفه نشان می‌دهد که با افزایش مقدار مؤلفه احساس امنیت مشارکت سیاسی غیر متعارف کاهش می‌یابد. مقدار بحرانی شاخص نرمال چند متغیره کمتر از ۲/۵۸ به دست آمده است ($Kurtosis= 1/42$ & $C.R.= 1/09$) و نشان می‌دهد پیش فرض نرمال چندگانه برای برازش مدل ساختاری رگرسیونی برقرار است. برای بررسی رابطه چندمتغیره احساس امنیت با هر یک از ابعاد مشارکت سیاسی از مدل رگرسیون چندمتغیره استفاده شد.

جدول ۲ همبستگی ساده (پیرسون) هر یک از ابعاد مشارکت سیاسی را با احساس امنیت نشان می‌دهد. همان‌گونه که مشاهده می‌شود، تمام همبستگی‌ها در سطح ($p < 0/01$) معنی‌دار است. بالاترین میزان همبستگی مربوط به رابطه مؤلفه روانی-انگیزشی با احساس امنیت ($r=0/63$) و کمترین میزان همبستگی مربوط به رابطه مشارکت سیاسی غیرمتعارف با احساس امنیت ($r=-0/26$) است. منفی بودن ضریب همبستگی بین این دو مؤلفه نشان می‌دهد که با افزایش مقدار مؤلفه احساس امنیت مشارکت سیاسی غیر متعارف کاهش می‌یابد. مقدار بحرانی شاخص نرمال چند متغیره کمتر از ۲/۵۸ به دست آمده است ($Kurtosis= 1/42$ & $C.R.= 1/09$) و نشان می‌دهد پیش فرض نرمال چندگانه برای برازش مدل ساختاری رگرسیونی برقرار است. برای بررسی رابطه چندمتغیره احساس امنیت با هر یک از ابعاد مشارکت سیاسی از مدل رگرسیون چندمتغیره استفاده شد.

جدول ۳- شاخص‌های برازش مدل

شاخص‌های برازش مطلق*		شاخص‌های برازش تطبیقی**			شاخص‌های برازش مقصد***	
GFI	AGFI	CFI	TLI	RMSEA	CMIN/DF	CMIN
۰/۹۱	۰/۸۹	۰/۹۴	۰/۹۷	۰/۰۶۳	۲/۸۳	۱۴/۵۱
df	P					
۴	۰/۰۵۷					

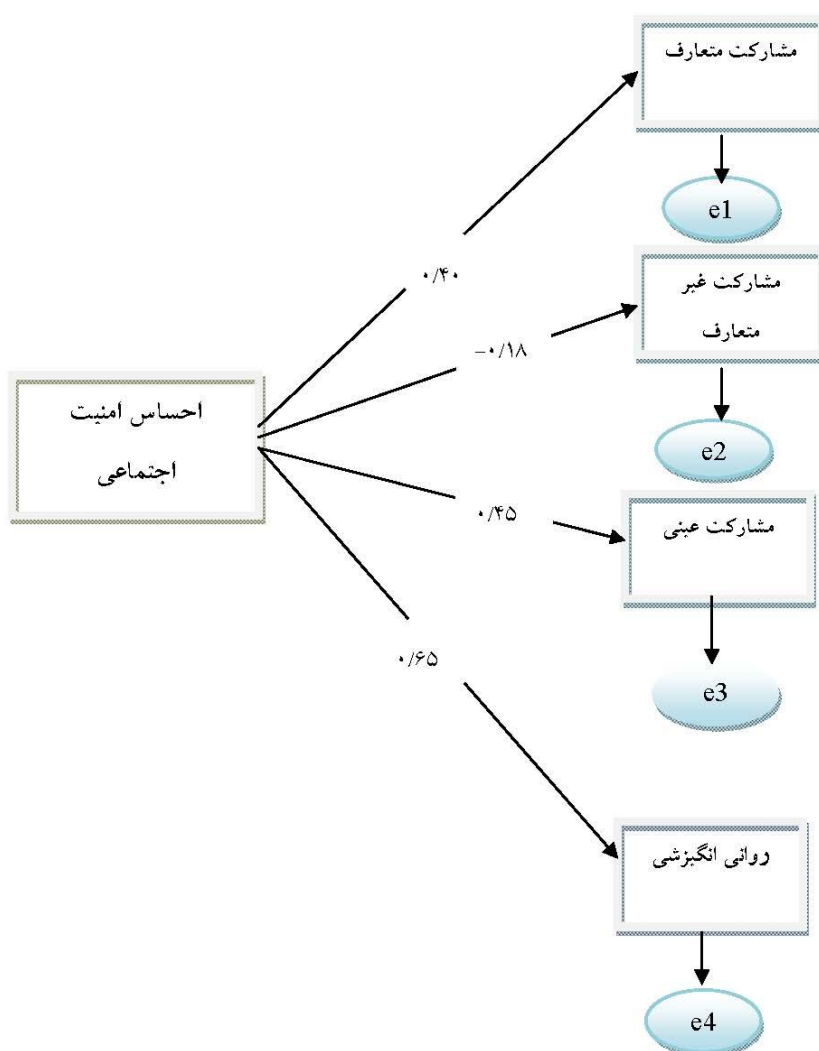
* Goodness- of - Fit Indices

** Badness- of - Fit Indices

*** Comparative Fit Indices

مقدار ۰/۰۵ است، همچنین شاخص توکر-لویس مقدار ۰/۹۷ (TLI) و با توجه به اینکه این شاخص نیز بین صفر و یک تغییر می‌کند و مقدار ۰/۹۵ یا بیشتر منعکس کننده یک مدل خوب است، این شاخص نیز مورد تأیید است. شاخص نیکویی برازش اصلاح شده (AGFI) ۰/۸۹ و شاخص مجذور خی نسبی (CMIN/DF) ۲/۸۳ حاکی از مقادیر بسنده شاخص‌های برازندگی مدل است و می‌توان گفت مدل با داده‌ها انطباق بهینه دارد.

همان گونه که در جدول ۳ مشاهده می‌شود، مقدار مجذور خی (CMIN) ۱۴/۵۱ ($p=۰/۰۵۷$) به دست آمده است که هر چه مقدار مجذور خی کوچکتر باشد، برازش مدل تدوین شده رضایت بخش تر و بهتر است و چنانچه سطح معناداری بالای ۰/۰۵ باشد، می‌توان نتیجه گرفت که مدل تدوین شده به طور کلی تأیید می‌شود. همچنین، مقدار ریشه خطای میانگین مجذورات تقریب (RMSEA) ۰/۰۶۳ به دست آمد که عددی کوچک و نزدیک به



شکل ۱- مدل رگرسیونی چند متغیره ارتباط احساس امنیت با ابعاد مشارکت سیاسی

و افراد خواهند توانست آزادانه عقاید و نظرهای خود را در جهت اصلاح امور جاری، ارائه داده، احساس مشارکت کنند؛ به طوری که احساس امنیت اجتماعی موجب افزایش میزان مشارکت سیاسی متعارف و مؤلفه روانی انگیزشی می شود. در مقابل، وجود احساس ناامنی در جامعه، موجب کاهش مشارکت سیاسی شده و یا ممکن است سبب شود که افراد به سمت رفتارهای اعتراضی و خارج از عرف جامعه بروند؛ چرا که نیاز به امنیت، تهدید امنیت و در عمل سیاسی فرد اثر می‌گذارند و این فرایند روانی می‌تواند ساختار و کارکرد نهادها و نظام‌های سیاسی را متأثر سازند.

ضرایب استاندارد احساس امنیت بر ابعاد مشارکت سیاسی در شکل ۱ آمده است. بالاترین وزن رگرسیون استاندارد (۰/۶۵) مربوط به رابطه احساس امنیت با مؤلفه روانی انگیزشی است. همان‌گونه که مدل نشان می‌دهد، ضریب رگرسیون مؤلفه احساس امنیت روی مشارکت سیاسی غیر متعارف، منفی است. بنابراین، احساس امنیت زمینه‌ای برای کاهش سطح مؤلفه مشارکت غیر متعارف می‌شود. به نظر می‌رسد که منفی بودن این مؤلفه را می‌توان با توجه به نظریات رابرت دال و مایکل راش تبیین کرد. در واقع، زمانی که احساس امنیت اجتماعی وجود دارد، فعالیت‌های سالم و مشارکتی زمینه بروز پیدا می‌کند

جدول ۴- ضرایب رگرسیون استاندارد و غیر استاندارد احساس امنیت بر ابعاد مشارکت سیاسی

متغیرها	مشارکت متعارف		مشارکت غیر متعارف		روانی انگیزشی	
	B	b	B	b	B	B
احساس امنیت	۰/۴۷**	۰/۴۰	-۰/۲۴**	-۰/۱۸	۰/۵۱**	۰/۵۹**

ضرایب غیر استاندارد = B & ضرایب استاندارد = b ** p < 0/01

مورد نظر؛ یعنی شهروندان اصفهانی اشاره دارد. سؤال اصلی پژوهش این بود که آیا رابطه‌ای میان احساس امنیت اجتماعی و مشارکت سیاسی وجود دارد یا خیر؟ برای پاسخگویی به این سؤال، با بهره‌گیری از نظریات بوزان و ویور رابطه بین احساس امنیت اجتماعی با مشارکت سیاسی بررسی گردید. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان داد که بین احساس امنیت اجتماعی با مشارکت سیاسی در نمونه مورد بررسی ارتباط معنی‌داری وجود دارد.

نتایج نشان داد که مؤلفه روانی و انگیزشی و مشارکت سیاسی متعارف، بیشترین رابطه را با احساس امنیت اجتماعی دارند. با این توصیف، احساس امنیت اجتماعی پیش‌بینی‌کننده مهمی برای

جدول (۴) ضرایب رگرسیون استاندارد و غیر استاندارد احساس امنیت بر ابعاد مشارکت سیاسی را نشان می‌دهد. بر اساس این جدول، وزن رگرسیون استاندارد مشارکت سیاسی غیر متعارف منفی است که تمامی ضرایب در سطح ($p < 0/01$) معنی‌دار هستند. احساس امنیت بیشترین تأثیر را بر روی مؤلفه روانی انگیزشی مشارکت سیاسی دارد.

نتیجه‌گیری

در بررسی رابطه میان دو متغیر اصلی در این پژوهش؛ یعنی احساس امنیت اجتماعی و مشارکت سیاسی، نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها به ارتباط معنی‌دار و مستقیم بین این دو متغیر در جامعه آماری

سامان سیاسی را امیدوار کننده ترسیم می‌کند و از امکان توسل به خشونت در جامعه جلوگیری می‌کند. وجود ناامنی در جامعه، موجب کاهش مشارکت مردمی می‌شود، زیرا زمانی که امنیت اجتماعی وجود دارد، فعالیت‌های سالم زمینه بروز پیدا می‌کنند و افراد خواهند توانست آزادانه عقاید و نظرهای خود را در جهت اصلاح امور جاری، ارائه داده، احساس مشارکت کنند.

اصل مشارکت در تفکر دینی، بدین علت که دعوت به احراز لیاقت دینی، اخلاقی، عملی و سیاسی نیز هست، در نتیجه به ثبات نظم، امنیت و اقتدار فزاینده حکومت می‌انجامد. به نظر می‌رسد می‌توان با افزایش ظرفیت‌های مدیریت اجتماعی، انسجام مطالبات را در لایه‌های مختلف فراهم و آن را در راستای قدرت ملی فعال ساخت. در غیر این صورت، بروز ضعف و ناتوانی و بی‌توجهی به این مهم، کارکرد دولت و حاکمیت را به سمت چالش و تهدید انسجام و تضعیف حوزه‌های نفوذ و مشارکت پیش برده، و با بروز و شکل‌گیری گسل‌های اجتماعی، قابلیت‌های نوظهور جنبش‌ها به سمت نارضایتی سوق داده می‌شود و زمینه ساز تنش سیاسی و متعاقب آن شکل‌گیری ناهنجاری‌ها و هویت‌های غیررسمی برخاسته از آن می‌گردد.

ایجاد، حفظ و پاسداری امنیت نیازمند مشارکت و هم‌اندیشی تمام لایه‌ها و ساختارها و گروه‌های اجتماعی است. وجود امنیت اجتماعی و احساس امنیت در جامعه، به تربیت شخصیت‌های سالم اجتماعی منجر می‌شود؛ شخصیت‌هایی که روح جمع‌گرایی در آنها تقویت شده است. در چنین حالتی، مشارکت در جامعه افزایش خواهد یافت و مردم حضوری مؤثر در اجتماع پیدا خواهند کرد. با حضور گسترده مردم در اجتماع، حاکمیت سیاسی مشروعیت خواهد یافت و مردم به گونه‌ای روشن و شفاف با

مشارکت سیاسی است. به نظر می‌رسد از یک سو، گرایش به مشارکت در تأمین امنیت، بر احساس امنیت اجتماعی افراد تأثیر بسزایی دارد و از طرف دیگر، وجود احساس ناامنی در جامعه منجر به کاهش مشارکت سیاسی می‌شود و در مقابل، مشارکت سیاسی نامتعارف و اعتراضی افزایش می‌یابد. نتایج به دست آمده در راستای مطالعات انجام شده قبلی خوشفر (۱۳۷۸)، دال (۱۹۸۴) و راش (۱۳۷۷) است. همچنین، سطوح نظری پژوهش‌گویای این واقعیت است که وضعیت مشارکت سیاسی در جامعه بسته به عوامل متفاوتی تغییرپذیر است.

امنیت اجتماعی شاخصی است که افراد در ارتباط با یکدیگر آن را کسب می‌کنند و به نوعی در ذات، افراد را به سوی همکاری و تعاون و مشارکت فرا می‌خواند و می‌توان آن را از ریشه بر پایه مشارکت بنا کرد. با این تفاسیر، مشارکت سیاسی که یکی از ابعاد مشارکت تلقی می‌شود، در نتیجه امنیت اجتماعی تولید، رشد و دوام می‌یابد. پس ارتباط میان احساس امنیت اجتماعی و مشارکت مردمی یک ارتباطی دوسویه است. از یک طرف، گسترش امنیت اجتماعی می‌تواند زمینه ساز توسعه مشارکت شهروندان باشد و از طرف دیگر، افزایش مشارکت شهروندان پشتوانه محکمی برای حاکمیت و بقای امنیت در جامعه است. بنابراین، در صورتی که سطح مشارکت سیاسی و اجتماعی با سطح نهادمندی سیاسی بالا باشد، انسجام اجتماعی، همبستگی ملی، جامعه‌پذیری مردم، مشروعیت بخشیدن به حکومت و... می‌توانند به کشور ثبات بخشیده، ضامن امنیت ملی باشند.

نهادینه شدن مشارکت سیاسی مؤثر در فراگرد سیاسی و امکان برکشیدن و فروکشیدن مقامات سیاسی از راه‌های قانونی، چشم‌انداز آشتی و پایداری

۷. بوزان، باری. (۱۳۷۸). مردم، دولت‌ها و هراس، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

۸. حاجیانی، ابراهیم (۱۳۸۴). "چارچوب روش شناختی برای بررسی احساس امنیت"، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، ش ۱.

۹. حسینی فر، عبدالرحمن. (۱۳۸۳). "دولت و امنیت اجتماعی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران"، مجله پژوهشی دانشگاه امام صادق(ع)، ش ۲۳.

۱۰. حسینی، قاسم. (۱۳۸۴). "بررسی رابطه ییگانگی سیاسی-اجتماعی با مشارکت سیاسی-اجتماعی و امنیت ملی"، فصلنامه علوم اجتماعی، ش ۳.

۱۱. حسینی، حسین. (۱۳۸۶). "مدیری احساس امنیت در جامعه"، فصلنامه امنیت، سال ششم، ش ۱.

۱۲. خوشنفر، غلامرضا. (۱۳۷۸). بررسی مشارکت مردم در ایجاد، حفظ و گسترش امنیت اجتماعی مراکز شهرستانهای استان مازندران، به سفارش دبیرخانه شورای تأمین استان مازندران.

۱۳. دوورژه، موریس. (۱۳۶۹). جامعه شناسی سیاسی، ترجمه ابوالفضل قاضی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

۱۴. راش، مایکل. (۱۳۷۷). جامعه و سیاست: مقدمه ای بر جامعه شناسی سیاسی، مترجم: منوچهر صبوری، تهران: انتشارات سمت.

۱۵. رجبی پور، محمود. (۱۳۸۲). "درآمدی بر احساس امنیت در بستر امنیت عینی"، مجله امنیت، ش ۲.

۱۶. روی، پل. (۱۳۸۲). "معمای امنیت اجتماعی"، فصلنامه مطالعات راهبردی، ترجمه منیژه نویدنیا،

نظم حاکم ارتباط خواهند داشت. در صورت وجود امنیت و احساس امنیت، همبستگی ملی بین افراد جامعه تقویت خواهد شد و نظم و ثبات سیاسی و اجتماعی سراسر جامعه را پوشش خواهد داد. مشارکت سیاسی به نوبه خود فضایی را فراهم می‌کند که چارچوب هنجاری کنش‌ها منضبط‌تر و انضباط اجتماعی تقویت شود و این فرایند نیز خود به توسعه سیاسی کمک خواهد کرد.

منابع

۱. ابراهیمی، نبی‌الله. (۱۳۸۶). "تأملی بر مبانی و فرهنگ مکتب کپنهاگ"، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و یکم، ش ۲.

۲. اشتراوس، لئو. (۱۳۸۳). فلسفه سیاسی چیست؟ ترجمه فرهنگ رجایی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

۳. افتخاری، علی اصغر. (۱۳۸۲). "ساختار اجتماعی امنیت"، مجموعه مقالات همایش امنیت اجتماعی، معاونت اجتماعی ناجا.

۴. امام جمعه زاده، جواد؛ محموداوغلی، رضا؛ عیسی نژاد، امید. (۱۳۸۹). بررسی رابطه دینداری و مشارکت سیاسی در بین دانشجویان دانشگاه اصفهان، پژوهشنامه علوم سیاسی، ش ۲۱.

۵. ایمان، محمدتقی؛ مرادی، گلمراد؛ جلائیان، وجیهه. (۱۳۸۹). "بررسی ارتباط بین مسئولیت اجتماعی جوانان و احساس امنیت اجتماعی (مورد مطالعه شهر مشهد)"، فصلنامه مطالعات اجتماعی، ش ۲۴.

۶. بوزان، باری؛ ویور، ال. (۱۳۸۳). "مناطق و قدرت‌ها: ساختار امنیت بین‌المللی"، ترجمه. قدیر نصری، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال هفتم.

- سال ششم، شماره سوم.
۱۷. ساروخانی، باقر؛ هاشم نژاد، فاطمه. (۱۳۹۰). "بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی (مؤلفه‌های آن) و احساس امنیت اجتماعی در بین جوانان شهر ساری"، *فصلنامه جامعه‌شناسی مطالعات جوانان*، سال دوم، شماره دوم.
۱۸. سیدامامی، کاووس. (۱۳۸۶). "مشارکت سیاسی دانشجویان: ارزیابی برخی از پیش‌بینی‌کننده‌های مشارکت سیاسی"، *پژوهشنامه علوم سیاسی*، سال دوم، ش ۱.
۱۹. صانعی، پرویز. (۱۳۸۵). *جامعه‌شناسی ارزش‌ها*، تهران، نشر ققنوس.
۲۰. صدیق سروسستانی، رحمت‌الله. (۱۳۸۲). "بهنجار نظم و نابهنجار رفتار (بهنجاری نظم و نابهنجاری رفتار)"، *دانش انتظامی*، ش ۱۶.
۲۱. صمدی بگه‌جان، جمیل. (۱۳۸۴). *امنیت اجتماعی در شهر سندج*، (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). تهران: دانشگاه تهران.
۲۲. کریب، ایان. (۱۳۷۸). *نظریه‌های مدرن در جامعه‌شناسی: از پارسنر تا هابرماس*، مترجم: محبوبه مهاجر، تهران: سروش.
۲۳. گنجی، محمد رضا. (۱۳۸۲). "مشارکت مهمترین استراتژی توسعه شهری و روستایی با تأکید بر اشتغال و امنیت اجتماعی"، *مجله تعاون*، ش ۱۳۹.
۲۴. محسنی تیریزی، علیرضا. (۱۳۷۵). "بیگانگی، مانعی برای مشارکت و توسعه ملی"، *نامه پژوهش*، ش ۱.
۲۵. نبوی، سید عبدالحسین؛ حسین زاده، علی حسین؛ حسینی، سیده هاجر. (۱۳۸۹). "بررسی عوامل اجتماعی و اقتصادی مؤثر بر احساس امنیت
- اجتماعی"، *جامعه‌شناسی کاربردی*، سال بیست و یکم - شماره پیاپی (۴۰).
۲۶. نوروزی، فیض‌اله؛ فولادی سپهر، سارا. (۱۳۸۸). "بررسی احساس امنیت اجتماعی زنان ۲۹-۱۵ ساله شهر تهران و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن، راهبرد، شماره ۱۸ (۵۳).
۲۷. نویدنیا، منیژه. (۱۳۸۲). "درآمدی بر امنیت اجتماعی"، *مجله مطالعات راهبردی*، ش ۱۹.
۲۸. وطنی، علی. (۱۳۸۶). *بررسی عوامل مؤثر بر افزایش انگیزه افراد در مشارکت اجتماعی در استان گلستان*، رساله کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی.
۲۹. هاشمی، سیدضیاء، مجید فولادیان و زینب فاطمی امین. (۱۳۸۸). "بررسی عوامل اجتماعی و روانی مؤثر بر مشارکت سیاسی مردم شهر تهران"، *پژوهشنامه علوم سیاسی*، سال پنجم، ش ۱ (پیاپی ۱۷)، صص ۲۲۶-۱۹۹.
30. Bilgin, Pinar; Booth, Ken; Jones, Richard Wyn (1998). "Security Studies: The Next Stage?", *International Studies Perspectives*, 98(2).
31. Buzan, Barry ; Wearver, Ole (1998). "Liberalism and security: the contradictions of the liberal leviathan", *Copenhagen peace research institute (COPRI) Working papers*.
32. Conway, M. (2000). *Political participation in the United States*. Washington, D.C: CQ Press.
33. Dahl, Robert A. (1984). *Modern Political Analysis*. New jersey: Prentice Hall.
34. Goetschel, Laurent, (1999). "Globalization and security: The Challenge of Collective Action", *Akadamic Loccum*, Vol.10 (12).
35. Kimmerling, Baruach ; Moor, Dahlia

41. Verba, Sidney, & Schlozman, Kay Lehman, & Brady, Henry E. (1995). *Voice and Equality: Civic Voluntarism in American Politics*. Cambridge, Massachusetts: Harvard University Press.
42. Verba, Sidney, & Schlozman, Kay Lehman, & Brady, Henry E. (1995). *Voice and Equality: Civic Voluntarism in American Politics*. Cambridge, Massachusetts: Harvard University Press.
43. Watson, Scott (2005). *Applying the concept to processes of Kurdish identity construction*, New York University Press.
44. Wearver, Ole (2000). "Societal Security": <http://www.Ciaonet.Org/book/hall/hall01.html>.
45. Weiner, M, (1971). *Political Participation in Crises and Sequences in Political Development*, (Princeton, Princeton).
- (1997). *Collective identity as agency and structuration of society*, International Review of Sociology.
36. Levine, Jeffrey (2005) *The Social Logic of Politics: Personal networks as contexts for political behavior*, Philadelphia: Temple University Press,
37. Milbrath, Lester (1977). *Political Participation*, U, S, A: Nally College, Publishing Company.
38. Roe, Paul (1996). *The Societal Security Dilemma*, Copenhagen peace research institute (COPRI) working papers.
39. Shapiro, R. (2008). "Political Participation And Quality Of Life". Journal Inter American Development Bank, Columbia University. Springer-Verlag. pp 541-555.
40. Ulbig & Carolyn L. Funk. (1999). "Conflict Avoidance And Political Participation", *Political Behavior*, Vol. 21. No 3, pp 265-282.

Archive